



کتابخانه شخصی من

ویل دورانت

ترجمه امین حسینیون

کتابخانه شخصی من



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: دوران، ویل، ۱۸۸۵-۱۹۸۱ م. Durant, Will, 1885-1981
عنوان و نام پدیدآور: کتابخانه شخصی من / ویل دورانت / ترجمه امین حسینیون / گردآوری و تدوین:
جان لیتل
مشخصات نشر: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۸۷۳-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: c2002. The greatest minds and ideas of all time.
یادداشت: کتاب حاضر با عنوان "بیداری ذهن" و با ترجمه‌ی ریحانه عسگری توسط
انتشارات عطر کاج فیبا گرفته است.
موضوع: تمدن -- تاریخ / زندگی فرهنگی -- تاریخ
شناسه افزوده: لیتل، جان آر.، ۱۹۶۰- م.، گردآورنده / حسینیون، امین، ۱۳۶۱- ، مترجم
رده‌بندی کنگره: CB۶۹
رده‌بندی دیویی: ۹۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۸۳۱۳۱



کتابخانه شخصی من

ویل دورانت
ترجمه امین حسینیون
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۲، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۰۵-۶۶۴۷۷۴

@ketabeparseh





ویل دورانت

(۱۸۸۵ – ۱۹۸۱)

تاریخ‌نگار و نویسنده آمریکایی

مهم‌ترین اثر او تاریخ تمدن، مجموعه کتابی یازده جلدی است که با همکاری آریل دورانت، همسرش، نوشته است. وی در این کتاب توانسته با استفاده از آثار مورخان دیگر (از هرودوت تا آرنولد توینبی) مکتبی نوین از تاریخ‌نگاری را به‌وجود بیاورد.

از دیگر آثار او:

درباره معنی زندگی، فلسفه و مسئله اجتماعی، قهرمانان تاریخ،

دعوت به فلسفه و ...

فهرست

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۵	مقدمه
۲۱	فصل اول: ستایش بی پروای قهرمانان
۲۷	فصل دوم: ده اندیشمند بزرگ تاریخ
۶۳	فصل سوم: ده شاعر برتر تاریخ بشر
۱۰۷	فصل چهارم: صد کتابی که برای آموختن بهترین اند
۱۴۱	فصل پنجم: ده قلّه پیشرفت بشر
۱۶۵	فصل ششم: دوازده تاریخ سرنوشت ساز در تقویم تمدن انسان
۱۸۳	جمع بندی

اگر انسانی خوشبخت باشد، پیش از مرگش خواهد توانست تا جایی که مقدور است از میراث تمدن بشری جمع کند و به فرزندانش انتقال دهد. در بستر مرگ هم قدر دان این میراث باشکوه خواهد بود و خواهد دانست که این حیات مستدام انسان است.

ویل دورانت

با در نظر گرفتن نکته‌ای که ویل دورانت در بالا مطرح کرده است، من این مجموعه از قلّه‌های دستاورد بشری را به تمام کودکان و حتی متعصبانه‌تر به فرزندان خودم تقدیم می‌کنم: رایلی، تیلور، براندون و بنجامین. باشد که آن‌ها این رشته شریف را در میراث بشری دنبال کنند و بیاموزند که انسان توانایی چنان کارهای بزرگی دارد که حتی ساکنان آسمان‌ها به او حسادت کنند.

جان لیتل

و تقدیم به ادوارد و بنی ایستون که پدر بزرگ و مادر بزرگشان دهه‌ها زحمت کشیدند و تلاش کردند تا این هدیه به آن‌ها برسد.

پیشگفتار مترجم

هر سال در ایران چندصد عنوان کتاب تازه با کیفیت چاپ می‌شود (چندین عنوان را همین نشر پارسه منتشر می‌کند) که هر کدام در زمینه تخصصی خودشان سرآمدند. یعنی اگر من و شما روزی یک کتاب هم بخوانیم حتی از قافله کتاب در ایران عقبیم، چه برسد به کل جهان. ما ولی روزی یک کتاب نمی‌خوانیم، هفته‌ای یا ماهی شاید برسیم یک عنوان کتاب بخوانیم، عذرمان هم موجه است: وقت نداریم! از طرفی فرصت زیادی هم نداریم که برای انتخاب کتاب وقت بگذاریم، در تمام حوزه‌ها هم تخصص نداریم که خودمان ارزیابی کنیم و در نتیجه معمولاً این سؤال بی‌پاسخ می‌ماند که چی بخوانیم؟ کتاب حاضر پاسخی برای این سؤال است، البته پاسخی به سبک ویل دورانت. او به ما ماهی‌گیری یاد می‌دهد و بعد از خواندن این کتاب، تازه کار اصلی‌مان آغاز می‌شود؛ خودمان باید برویم و ماهی بگیریم.

ویل دورانت صد عنوان کتاب پیشنهاد می‌کند که می‌توانند مبنای مطالعاتی هر آدمی را بسازند، یعنی به ذهن آدم مسیر بدهند. بسیاری از عنوان‌های پیشنهادی او به فارسی ترجمه شده‌اند و بعضی‌هاشان که ترجمه نشده‌اند جایگزین‌های مناسبی در فارسی دارند. او ده اندیشمند بزرگ تاریخ، ده شاعر برتر و ترین‌های دیگر را از نظر خودش معرفی می‌کند و از طریق این معرفی‌ها به ما زاویه دید می‌دهد. بعد از خواندن این کتاب می‌توانیم در مسیر مطالعاتی خودمان بهتر تصمیم بگیریم که در مورد کدام آدم‌ها، کدام دوره‌ها و کدام حوادث تاریخی مطالعه کنیم، لذت بیشتری ببریم و برای مان مفیدتر باشد. اگر داستان می‌خوانیم، داستان‌هایی دربارهٔ کدام وقایع تاریخی انتخاب کنیم و...

ویل دورانت از دو جهت آدم مناسبی برای این کار است. اول اینکه دانشمند و خردمند است؛ هر کس به تاریخ تمدن و تاریخ فلسفه، دو اثر اصلی او، نگاهی انداخته باشد با این نکته موافق خواهد بود. دوم اینکه اهل سیاست نیست. البته حواسم هست که در هر حال همهٔ این‌ها تحت تأثیر سیاست است، منظورم این است که خود نویسنده فعالیت سیاسی مستقیم ندارد.

کتاب ویل دورانت یک ضعف هم برای مخاطب ایرانی دارد. او، همان‌طور که در بخش پایانی کتاب اذعان می‌کند، نقطهٔ آغاز نگاهش امریکاست و در نتیجه امریکا و اروپا را اصل می‌داند. در میان کشورهای آسیایی هم توجهی به هند و چین داشته، بنابراین در مورد ایران نکات بسیار محدودی در این کتاب عنوان شده است. البته این اصلاً عصبانیت

پیشگفتار مترجم ■ ۱۳

ندارد. خودمان می‌توانیم به فهرست دورانت چند عنوان هم برای آشنایی با ایران اضافه کنیم و کتاب دورانت را به عنوان دروازه ورود یا نقشه‌ای کلی از فرهنگ و تمدن و تاریخ باقی جهان در نظر بگیریم.

سعی کرده‌ام هر جا که توضیحی لازم بوده به شکل پانویس به متن اضافه کنم تا این کتاب تا حد امکان خودبسند باشد. متن دورانت هیچ پانویسی ندارد؛ به هر حال ویل دورانت برای ساکنان امریکا کتاب نوشته و انتظار دارد مثلاً یک آدم باسواد امریکایی والت ویتمن را بشناسد، چون در مدرسه ویتمن درس می‌دهند، نه حافظ و سعدی. من و شمای ایرانی دلیلی ندارد والت ویتمن را بشناسیم، همان‌طور که احتمالاً دورانت هم شناخت چندانی از فردوسی نداشته.

با این توضیحات برویم سراغ اصل متن.

مقدمه

در سال ۱۹۶۸، کوتاه‌زمانی پس از آنکه ویل دورانت و همسرش آریل جایزه پولیتزر ناداستان را بردند، به یک مصاحبه تلویزیونی در خانه‌شان در لس‌آنجلس کالیفرنیا رضایت دادند. مصاحبه‌گر که خودش را روشنفکر می‌دانست از دورانت پرسید: «اگر از شما بپرسم تأثیرگذارترین انسان قرن بیستم چه کسی بوده، به نظر شما جواب کارل مارکس است؟»

دورانت مکثی کرد و جواب داد: «خب، اگر کلی‌ترین نگاه را در نظر بگیریم، باید بگوییم که مخترعان بیشترین تأثیر را داشته‌اند، آدم‌هایی مثل ادیسون. شکی نیست که اختراع و توسعه برق جهان را بیش از هر شعارِ مارکسیستی تغییر داده است. اگر از منظر اندیشه‌ها نگاه کنیم، من فکر می‌کنم تأثیر داروین هم بسیار بیشتر از مارکس بوده است، ولی در یک زمینه متفاوت. پدیده اصلی در دوران ما کمونیسم نیست، افول باورهای دینی است که تأثیرات متعددی روی اخلاق و حتی سیاست گذاشته است.

دین در گذشته ابزار سیاست بوده، ولی امروز در اروپا دین دیگر ابزار نیست، تأثیر بسیار کمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد. در حالی که پانصد سال پیش، پاپ از هر حاکم دیگری روی سیاره زمین تأثیر گذارتر بود.»

بعدتر، در همان گفتگو، مصاحبه‌گر دوباره به موضوع محبوب خودش برگشت و پرسید: «دکتر دورانت، از تمام شخصیت‌هایی که در تاریخ تمدن هستند، بیشتر از همه دل‌تان می‌خواسته کدام را بشناسید؟»

دورانت به این سؤال فکر کرد، جدی اندیشید و بعد با صورتی عاری از احساس جواب داد: «مادام پمپادور^۱».

مصاحبه‌گر حسابی گیج شده بود و پرسید: «ببخشید، چرا؟»

جرقه‌ای در چشمان دورانت درخشید و جواب داد: «خب، بسیار زیبا بود، بسیار جذاب بود، لوند بود، دیگر چه می‌خواهی؟»

این دو نقل‌قول را آوردم نه فقط برای اینکه نظر دورانت را در مورد تأثیرگذاری مورخان و زیست‌شناسان بر تاریخ بشر نشان دهم، نه حتی تمایزش به اینکه سلاح طنز را بردارد و خبرنگارانی را که خودشان و حرفه‌شان را زیادی جدی می‌گرفتند خلع سلاح کند (یک بار اشاره کرده که طنز همسایه فلسفه است، زیرا هر دو نظرگاه‌هایی ارائه می‌کنند برخاسته از نگاهی وسیع به زندگی)، بلکه می‌خواستم نشان دهم که نظر او درباره اهمیت رویدادها و آدم‌ها در تاریخ جهان همیشه برای همگان جالب بوده است و دنبالش بوده‌اند. گاهی حتی دو بار در یک مصاحبه.

۱. Madame de Pompadour؛ مادام پمپادور (۱۷۶۴-۱۷۲۱) زن زیبا و محبوب لویی پانزدهم پادشاه فرانسه بود.

اینکه از ویل دورانت چنین سؤال‌هایی کنند کاملاً قابل درک است. هر زمان که مردی پنجاه سال را به مطالعه و تحقیق برای نوشتن یازده جلد کتاب با عنوان تاریخ تمدن بگذرانند، به طبع آدم‌ها هم می‌خواهند بدانند او چه نتایجی از تحقیقاتش گرفته، کدام دوره‌ها، آدم‌ها و دستاوردها در ذهن او بیشتر برجسته شده‌اند، کدام‌ها بزرگ‌ترین یا مهم‌ترین بوده‌اند. به عنوان مثال، ویل دورانت چه کسی را در فهرست بزرگ‌ترین اندیشمندان تاریخ بر صدر می‌نشانند؟ از میان تمام شاعرانی که هنوز از پس صدها و هزاران سال کلمات‌شان، رشته‌های قلب مخاطبان‌شان را می‌لرزاند، چه کسی را مهم‌تر می‌داند؟ اگر کسی بخواهد با قصد آموختن هدفمند و مفید و بامعنی کتاب بخواند، از کجا باید شروع کند و چه عنوان‌هایی را بخواند؟ در طول زندگی حرفه‌ای دورانت، او مدام به خواست‌فرایندۀ افکار عمومی برای چنین مسائلی پاسخ داد و چند یادداشت نوشت. این یادداشت‌ها شامل نظر او در مورد ده اندیشمند بزرگ، ده شاعر برتر، صد کتابی که باید برای آموختن خواند، ده نقطهٔ اوج تمدن بشری و دوازده دوران سرنوشت‌ساز در تاریخ جهان می‌شدند.

بخشی از این یادداشت‌ها در مجلات منتشر شدند، برخی به شکل سخنرانی برای حاضران در مجالس خاص عنوان شده‌اند. با این حال، اگر نشریات مورد بحث را خوانده‌اید یا بختش را داشته‌اید که در آن سخنرانی‌ها باشید، احتمالاً از پیش نظر دورانت را در مورد پرسش‌های مطرح‌شده می‌دانید. به هر حال، خوشبختانه، موفق شدیم در کتاب پیش رو تمام این یادداشت‌ها را ذیل یک عنوان جمع کنیم: «کتابخانهٔ شخصی من.»

ساختن یک نظام رتبه‌بندی و بعد تطبیق دادنش به چنین عرصه وسیعی از دستاوردهای بشری کار بسیار مشکلی است، اما ویل دورانت (مثل همیشه) در این کار هم موفق است. نه تنها مدارک و شواهد برای انتخاب‌هایش ارائه می‌کند، بلکه خواننده را تشویق و تحریک می‌کند که نظر شخصی‌اش را پیدا کند، از محیط و فرهنگ مستقیم اطرافش فراتر برود و به قلمرویی بی‌زمان وارد شود که دورانت به آن «سرزمین ذهن» می‌گوید، جایی بیرون از زمان و مکان، آسایشگاهی که قهرمانان بشری پس از تمام شدن دوران‌شان آنجا زندگی می‌کنند. در این آسایشگاه فقط و فقط انسان بودن ارزش محسوب می‌شود. به همین ترتیب، عنوان اولین فصل از کتاب در خدمت همین نظر است: «ستایش بی‌پروای قهرمانان». این نگاه از تک‌تک صفحات کتاب‌های دورانت برمی‌خیزد، ولی بیشتر از همه در کتابخانه شخصی من واضح است. او بی‌هیچ شرم و پنهان‌کاری انسان‌گراست، فلسفه دورانت کمی زیر پای جریان روشنفکری و هنری منفی‌نگر را هم خالی می‌کند. او را به عنوان «فیلسوف آرام» و «قدیس رادیکال» می‌شناختند، زیرا همیشه می‌کوشید گزارش‌هایی خوشایند از دستاوردهای بشر در طول تاریخ ارائه کند. در یک جمله، دورانت با قلمش به قلّه‌های شکوه تاریخ انسان نور می‌افشاند.

کتابخانه شخصی من بهترین‌های میراث انسانی را در خود دارد تا نسل‌های بعدی دسترسی ساده‌ای به این میراث داشته باشند. متن کتاب لبریز است از دقت نظر، طبع طنز و مهارت خارق‌العاده دورانت برای توضیح عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین مطالب به ساده‌ترین شکل. این کتاب

هم می‌تواند دروازه‌ای باشد برای خواندن باقی آثار ویل دورانت و هم می‌تواند راهنمای سفری باشد برای تماشای مناظر تاریخ انسان.

از بسیاری زوایا این کتاب یک همراه خوب و منطقی است برای کتاب قهرمانان تاریخ ویل دورانت.^۱ کتاب قهرمانان تاریخ بررسی تاریخ صد قرن بشریت است، در حالی که کتابخانه شخصی من بیان نظرات شخصی دورانت در مورد نقاط برجسته تاریخ است. به علاوه این کتاب حاوی مروری بر زندگی سه چهره بزرگ است، داروین، کیتس و ویتمن که قرار بوده در کتاب قهرمانان تاریخ باشند، ولی به دلیل مشکلاتی که در نهایت باعث فوت دورانت در سال ۱۹۸۱ شدند، از آن کتاب بیرون ماندند. (بله، حتی دو فصل آخر کتاب قهرمانان تاریخ - آخرین کتاب دورانت - هم ناتمام ماندند.) کتابخانه شخصی من با نثری که در برخی فرازها به مقام شعر هم می‌رسد، تکمله‌ای است برای دعوت‌نامه‌ای که دورانت همیشه به قلمروی بهترین بهترین‌ها ارائه می‌کند و ابزاری است که به وسیله آن آدم‌ها می‌توانند نبوغ را بشناسند و دوست بدارند. منافع چنین کوششی فراوان‌اند، دورانت جایی نوشته است:

«به هر حال اگر ما هم مدتی را میان نواغ باشیم، کمی بهتر خواهیم شد. گرچه شاید اکسیر جوانی را پیدا نکنیم، شادی مان آرام و دائمی خواهد بود، لذتی عمیق خواهیم برد که زمان نمی‌تواند از ما بگیرد، الا به مرگ.»

جان لیتل

۱. این کتاب به ترجمه زرین فنائیان در نشر پارسه منتشر شده است.